

گفت‌وگوی «جوان» با مریم مجتهدزاده رئیس سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت زنان در دفاع مقدس

# دشمن توهم نیست و با «زن الگوی سوم» مشکل دارد



مریم مجتهدزاده

آخرین روز از شهریور ۱۳۵۹ وقتی رژیم بعث صدام نخستین خمیاره‌هایش را به سمت کشورمان شلیک کرد، نبردی نابرابر و دفاعی مقدس شکل گرفت. جوانان و مردان این سرزمین از گوشه گوشه کشور به سمت جبهه‌های حق علیه باطل رهسپار شدند تا نگذارند تا خاک این سرزمین به دست نااهلان بیفتد و دشمنان در خاک پاک ایران قدم نگذارند. حضور دلیر مردان ایرانی در جبهه‌های جنگ تنها بخشی از رشادتهای مردم کشورمان در طول هشت سال دفاع مقدس بود. پشت پرده حضور این مردان در خطوط مقدم جبهه، زنانی بودند استوارتر از سربو و نخل‌های بی‌سر نخلستان‌های خوزستان که صبورانه ایستادگی کردند و پشت و پناه مردانی بودند که تفتنگ به دست در برابر دژ خیمان یعنی پاک‌ترین دفاع را در دنیا به نمایش گذاشتند. مردانی که اگر همراهی، نجابت و صبوری مادران، همسران و خواهران‌انشان نبود، در دنیا به نمایش گذاشتند.

**خانم مجتهدزاده!** وقتی نخستین خمیاره‌های رژیم بعث عراق به کشورمان تپ تاب شد ششیر مردان این سرزمین در جبهه‌های نبرد حق با باطل حاضر شدند اما بخش کمتر دیده شده این ماجرا حضور و نقش آفرینی زنان در پشت جبهه بود. زنان در دوران هشت‌ساله دفاع مقدس چه نقش آفرینی داشتند؟

به طور کلی برخی نقش‌ها در ظاهر مشخص اما برخی دیگر پنهان اما تعیین‌کننده‌تر و کارسازتر هستند و نقش زنان نیز اینگونه بوده است. زنان در پشتیبانی، امداد، تشویق و ترغیب مردان خود برای حضور در جبهه و در صیانت از فضای خانواده در نبود همسران خود نقش داشتند و اسوه صبر و مقاومت در کنار مردان خود بودند.

**ما کم نرایم شهدایی را که یک سال یا کمتر با همسرشان زندگی کردند و شهید شدند. همسران و مادران شهدا چگونه رفتار می‌کردند که فرزندان یا شوهران‌انشان می‌توانستند با تمام وابستگی موجود دل بکنند و به جبهه بروند؟**

همسران شهدای ما صبوری پیشه کردند. این صبوری از یک محله به محله دیگر در سطح شهر بخش و تبدیل به گفتمان ایثار شد و همین فضای جامعه را برای حضور مردان آماده‌تر کرد، آنها با صیانت کردن در نبودن همسران کمک بزرگی به انقلاب کردند. در بررسی بسیاری از کشورها ما هنوز شاهد آسیب‌های زنان ناشی از خلأ مردان هستیم اما زنان ما مقاوم و صبور بوده و در تمام میدان‌ها حضور یافتند و خلأ ناشی از عدم حضور مردان خود در جامعه را پوشش داده و به درجات بالای علمی نائل شدند و فرزندان خوبی تربیت کردند.

زنان ما در هشت سال دفاع مقدس احساس و عواطف شخصی‌شان را پای منافع ملی قربانی کرده‌اند، هم خانواده را نگه داشته و هم با اقتصاد مقاومتی‌شان، حضور خود را در جامعه باز یافته‌اند. بر ماست که این مدل جدید را به دنیا عرضه کنیم. در حال حاضر این تناقض در جوامع بشری وجود دارد که چطور می‌شود بین نقش‌های اجتماعی و نقش‌های خانوادگی زنان تعادل برقرار کرد. اشاعه فرهنگ صحیح این تعادل با شمار رسانه‌هاست. دشمنان هم متوجه کارآیی این فرهنگ شده‌اند و مرتب سیاه‌نمایی می‌کنند.

**خانم مجتهدزاده!** آیا آساری از مادران و همسران شهدا و همچنین بانوان رزمنده، شهید، آزاده و جانباز می‌توانید به ما ارائه دهید؟

تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مشحون از رشادتهای زنان، مادران، همسران و دخترانی است که همیشه در خط مقدم مبارزه ایستادگی کردند و ما در این راه حدود ۸۹۱۷ جانباز زن را از اول انقلاب تقدیم انقلاب کردیم و زنان شهید ما ۷۳۹۱ نفر را

نمی‌توانستند از خانه و کاشانه دل بکنند و به دریای بیکران جبهه‌های نبرد حق علیه باطل دل بسپارند. بگذریم از اینکه در دوران دفاع مقدس زنان رزمنده و امدادگر، جانباز و آزاده در خطوط مقدم جبهه یا نزدیک‌ترین بخش‌های جبهه به خط مقدم حضور داشتند نیز کم نبودند. با وجود این‌ها زنان و نقش آفرینی آنان بخش کمتر دیده شده هشت سال دفاع مقدس است. به مناسبت هفته دفاع مقدس سراغ مریم مجتهدزاده رئیس سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت زنان در دفاع مقدس رفته‌ایم و با وی که خود از خانواده ایثارگران و همسر سیدمحسن موسوی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان یار حاج رسول متوسلیمان و دبیرمات بوده شده کشورمان است، درباره نقش زنان در دوران دفاع مقدس و پایدها و بنیادهای انتقال و انتشار ارزش‌های این دوران به نسل‌های کنونی و آینده به گفت‌وگو نشستیم.

باز گویی دارد. خاطراتی که فداکاری‌ها و پیروزی‌ها یا شکست‌ها را شامل می‌شوند و مهم‌ترین سرمایه‌های ما هستند. فراموش نکنیم خانواده شهدا سهامداران اصلی نظام هستند. آنها بر گردن ما حق دارند و باید پس از بیان نقش شهدا از آنها نیز یاد شود.

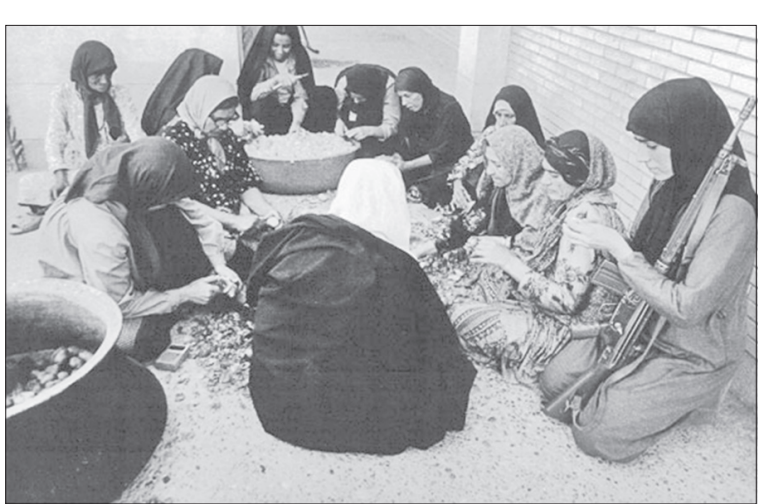
**رفتار مادران و همسران شهدای مدافع حرم و جبهه مقاومت، نشان داد نسل امروز هم درست شبیه نسل دوران دفاع مقدس استوار و متعهدند. نظر شما درباره خانواده شهدای مدافع حرم چیست و نقش همسران و مادران این شهدا را در حضور و نقش آفرینی آنان در جبهه‌های اسلام چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

انقلاب اسلامی ظرفیتی است که به تدریج به الگوی تأثیرگذار و ساختارشکن در معادلات نظام قدرت جهانی تبدیل شد و در آن زنان و مردانی نقش آفرینی کردند که تاریخ ملت‌های مسلمان از آنها به عنوان الگوی یاد می‌کند.

مقاومت و ایستادگی در هیئت یک مکتب، تفکر و راه، ویژگی برجسته رهبران الهی است و آنان در مقابل جامعه رشد دادند.

**امروز تاریخ باید حماسه‌سازی شیرزنانی از ایران زمین را در حافظه خود حک کند که به حکم یک تکلیف الهی با امید به وعده پیروزی حق و تاسی به اسطوره‌های حق طلبی و آزادگی، همچنان سرفراز مقابل تمامی حملات پیدا و نهان دشمنان ایستاده و هویت دینی و ملی زن را در کانون خانواده و بارور ساختن تمدن اسلامی به عنوان کامل‌ترین**

**دوران انقلاب و دفاع باعث عبرت‌آموزی و خلق هویت برای ملت ایران شد. علم آفرینی، تجربه‌آموزی، بافعل شدن استعدادها، اتکا به نفس، ولایت‌پذیری و وحدت از دستاوردهای دوران دفاع مقدس است. برای همین تمام افرادی که در آن دوران حضور داشتند وظیفه دارند خاطر اتشان را بیان کنند و گمان نکنند که باین کار «ریا» کرده‌اند. این تکلیفی بزرگ بر دوش زنان و مردان جامعه ماست و بیان وقایع تاریخ پرشکوه ایران اسلامی سبب انگیزه‌بخشی و حرکت آفرینی نسل جوان جامعه خواهد شد.**



زنان خاطرات متنوعی از دفاع مقدس دارند که ارزش

## درد

زنان نقش بسیار مهمی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی کشورمان داشته و دارند. دفاع مقدس یکی از این عرصه‌هاست که البته کمتر از کمیت و کیفیت آن سخن به میان آمده است

شالوده تعالی حیات بشری نهضت‌ها و حرکت‌های بنیادینی را در جوامع انسانی پایه‌ریزی کردند. بررسی تاریخ معاصر به عنوان بخشی از این تلاش‌ها و رستن‌ها، آغاز حرکت بی‌ظنیری را نشان می‌دهد که به رهبری امام خمینی (ره) و با حضور زنان آگاه شکل گرفت و با ایجاد حکومت اسلامی سامانه‌های بسیاری را با الهام از الگوی تمدن اسلامی ایجاد کرد. امروز مقاومت یک نهضت زنده و بالنده است که به نقش آفرینی همه زنان و مردانش در کنار هم نیاز دارد، موضوع مقاومت امروز یک الگوی بی‌بدیل به زنان و مردان عرضه کرده است و به خصوص در میان جامعه زنان ارزش آفرینی می‌کند. توجه به ظرفیت مقاومت در احیای ارزش‌ها و سبک زندگی متعالی راهی است که باید با درایت و سرعت بیپیمایی و فراموش نکنیم زنان در مقاومت محور ارزش آفرین بوده و نقشه‌راه پیشرفت و تعالی جوامع هستند.

**سال‌های پس از دوران دفاع مقدس و به خصوص در سال‌های اخیر زنان نوک پیکان اجتماعی و فضای مجازی تلاش می‌شود تا با استحاله هویت زن مسلمان ایرانی، بر جامعه مسلط شوند. از نگاه شما برای مواجهه با جنگ نرم امروز چگونه باید تدبیر کرد؟**

هشت سال دفاع مقدس زمان جنگ سخت بود. از ویژگی‌های جنگ سخت، وحدت‌بخشی به مردم یک جامعه است اما وقتی جنگ نرم جریان پیدا می‌کند، دشمن به خانه ما می‌آید بدون اینکه او را ببینیم. باور کنید که دشمن توهم نیست و با هویت اسلامی ما و همچنین «زن الگوی سوم» که نه شرقی است و نه غربی مشکل دارد. متناسب با دشمنی آنها ما هم باید برنامه‌ریزی داشته باشیم.

**خانم مجتهدزاده! مادران و همسران شهدا بی‌تردید زن تراز جمهوری اسلامی ایران و الگوی سوم زن نه شرقی نه غربی هستند. انتشار و معرفی این الگو به نسل‌های جدید و دختران و زنان امروزان چگونه محقق می‌شود؟**

زن در جمهوری اسلامی ایران نمادی از ایثار، تلاش، مقاومت و پیروزی است. سال‌های طلایی انقلاب اسلامی و عرصه‌های یادماندنی روزهای دفاع مقدس، حماسه‌سازی زنان دلآوری را که با تکیه والا، حامی همسران و مشوق فرزندان در اعزام به عرصه‌های مبارزه و جهاد بودند، نیک به یاد دارد. امروز تاریخ باید حماسه‌سازی شیرزنانی از ایران زمین را در حافظه خود حک کند که به حکم یک تکلیف الهی با امید به وعده پیروزی حق و تاسی به اسطوره‌های حق طلبی و آزادگی، همچنان سرفراز مقابل تمامی حملات پیدا و نهان دشمنان ایستاده و هویت دینی و ملی زن را در کانون خانواده و در عرصه اجتماعی پاس داشته‌اند. مادران، همسران، خواهران و دختران این سرزمین آفتابی، طلایه داران صحنه‌های مقاومتند که بی‌تردید بر این مجاهدت پایانی نخواهد بود. نشر ارزش‌های ناب فرهنگ دفاع مقدس در میان نسل حاضر، ضمن محافظت از هویت فرهنگی، رسالت سنگین بانوان دریادل کشور است. حماسه‌های جاودانه زنان در دفاع مقدس ظرفیتی بی‌بدیل است که می‌تواند با گذر از مرزهای ملی، نظام جهانی تشنه معنویت را به ارزش‌های صبر، ایثار و پایداری سیراب سازد و پرچمدار راهی باشد که به توان ملت آغاز شده است.

## یادداشت



## همسران و مادران شهدا دایره‌المعارف وفا و معرفتند

«شمار ۱۴۳» ترگس آبیاز نقش زنان در دفاع مقدس را از زاویه‌های دیگر روایت کرد. فیلمی در ژانر سینمای دفاع مقدس که در آن توپ و خمپاره‌های شلیک نشد! قسمت عمده داستان در یک روستا روایت شد و دوربین این کارگردان زن به جای تمرکز روی جبهه‌های جنگ در پشت جبهه متمرکز شد تا روایتگر رنجی باشد که خانواده و مادران شهدا طی هشت سال دفاع مقدس دیدند و چشم انتظار و اضطرابی که در طول این سال‌ها تجربه کردند. حکایت شمار ۱۴۳ اما تنها بخش کوچکی از آن چیزی است که هنوز هم در میان خانواده شهدا جاری است و مادرانی که حالا با سپری شدن ۳۳ سال از پایان جنگ تحمیلی در حالی چشم از جهان فرو بستند که همچنان چشم به راه پلاکی از فرزند جاوید الاثرشان بودند. هر چند تاکنون کتاب‌های بسیاری به قلم همسران شهدا نوشته شده و گاهی اوقات برخی فیلمسازان خوش ذوق وقتی می‌خواستند سینمای دفاع مقدس را روایت کنند سراغ جبهه آمده‌اند و هشت سال جنگ تحمیلی را با نگاه مضطرب مادران و همسرانی به تصویر کشیدند که همیشه نگران آخرین دیدار بودند اما به نظر می‌رسد هنوز حق مطلب در خصوص نقش و جایگاه زنان در دوران دفاع مقدس ادا نشده و این حوزه آنقدر عمیق است که بهترین آثار سینمایی و ادبی هنوز هم در سطح این دریای عمیق شناورند.

پیچیده‌ترین معمای دوران دفاع مقدس در هم آمیختن احساس عمیق مادرانه با بدرقه رزمندگان و بستن ساک جبهه آنهاست که همچنان بی‌پایخ مانده است! مگر می‌شود فرزندی را که از جان دوست‌تر می‌داری، فرزندی که پاره‌ای از وجود است را خودت با دست خودت به جبهه‌ها بفرستی؟ حکایت «من به چشم خوبشتم دیدم که جانم می‌رود» حکایت همسران و مادران شهداست که با وجود آنکه می‌دانستند بخشی از وجودشان، قلبشان و نهایت عشقشان در راهی قدم می‌گذارد که ممکن است بازگشتی نداشته باشد، با صبورانه می‌ایستادند و نه شکایت می‌کردند و نه حرفی می‌زدند که پای رفتن عزیزشان را ببندد!

هر بار خادحافظی تازه عروسانی که همسرانشان راهی جبهه می‌شدند، حکایت خادحافظی آخر بود و سلامشان هم بوی خادحافظی می‌داد اما صبورانه نه فقط منابع این رفتن نبودند، بلکه خودشان همسرانشان را راهی می‌کردند و مراقب بودند عشقشان آنقدر پاک بماند که پای رفتن همسر را ببندد.

خدکرتانی که «بابایی بودن» صفت جدا نشدنی آنهاست اما مادران حواسشان بود این «بابایی بودن» سدر راه «بابا» نشود تا دلش پیش دخترش بماند و هوای رفتن از سرش بربرد.

این ماندگشتن و ماجرا نبود. آنهاپی که می‌رفتند و دیگر بازمی‌گشتند و مدال افتخار شهادت بر گردنشان می‌نشست هر چند غمی جانکه و داغی ابدی بر دل مادر، خواهر، همسر و دختر می‌نشاندند اما آنها که بازمی‌گشتند و زخم‌های کاری جنگ بر جان و از آن مهم‌تر بر روانشان نشسته بود، کار را بر مادر و همسر و فرزند سخت‌تر می‌کردند و راه عشقشان شان را ناهموارتر. جانبازان اعصاب و روان و حملات عصبی و حکایت زخم‌های عمیق روحی‌شان که گاه و بی‌گاه به زخم‌های جسمی به همسر و فرزندان منتهی می‌شد و زنانی که صبورانه در تمامی لحظات تلخ و سخت حملات عصبی با همسران خود می‌ماندند و می‌مانند و تمام هم و غمشان را دستمایه می‌سازند تا آرامش نسبی بر روح و روان همسرشان حاکم شود و فرزندگی رفتارهای ناخواسته در حملات عصبی به همسرشان نشیند حالا کرد

پیری بر سر و روی این جانبازان و همسرانشان نشسته و منقاد تمام نمایی از به پای هم پیرشدن راه به تصویر کشیداند. و زنانی که شرط دواجشان بارها ایثار همسر نبود و در اوج جوانی به دنبال خدمت به رزمندگان جانباز بودند و عمرشان را با پرستاری از شیرمردانی گذراندند که دست و پا و خلاصه سلامت‌شان را در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل جا گذاشته بودند. همسران و مادران شهدا، همسران و مادران جانبازان و آزادگان هر کدام به تنهایی یک تاریخند، دایره‌المعارفی از وفا و معرفت و عشق و زریدن، کتابی که باید بارها و بارها خوانده شود و درس‌های عمیقی از شیوه‌های هنرمندانه برای نسل‌های بعدی روایت شود. این زنان ارزشمندترین میراث ملی ایران زمین هستند و باید ایثارگری‌هایشان نسل به نسل انتقال یابد و عشق‌های پاک و آسمانی‌شان نسخه‌های شود برای درمان عشق و زری‌های زمینی و ابتر این روزهای ما.

نقش زنان در دفاع مقدس اقیانوسی بی‌انتهاست و با غور کردن در آن می‌توان به نسخه‌هایی برای پرواز در ملکوت آسمان‌ها دست یافت.